

قواعد درس سوّم
عربی پایه یازدهم تجربی ریاضی
المعرفة و التکره

الدّرس الثالث
مجايب الأشجار

ظواهر الطبيعة تُثبت حقيقة واحدة وهي قدرة الله ، و الآن نَصِف بعض هذه الظواهر .
پدیده های طبیعت یک حقیقت را ثابت می کنند و آن قدرت خداست ، و اینک برخی از این پدیده ها را توصیف می کنیم .

العنب البرازيلي شجرة تختلف عن باقي أشجار العالم ، تثبت في البرازيل ، و تنمو أثمارها على جذعها ،
و من أهم مواصفات هذه الشجرة أنها تُعطي أثماراً طول السنة .
انگور برزیلی درختی است که با بقیه درختان جهان فرق دارد ، در برزیل می روید، و میوه
هایش روی تنه آن رشد می کند، و از مهم ترین ویژگی های این درخت ، این است که آن در
طول سال میوه هایی می دهد.

شجرة السكوايا شجرة من أطول أشجار العالم في كاليفورنيا، قد

يبلغ ارتفاع بعضها أكثر من مئة مترٍ و قد يبلغ قطرها تسعة أمتارٍ ،

دیرستان هاشمی نژاد ۱ - دوره دوم

و يزيد عمرها على ثلاثة آلاف و خمس مئة سنة تقريباً .

درخت سکویا درختی است از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا

گاهی (به ندرت) بلندی برخی از آن ها به بیش از صد متر می رسد ،

و گاهی (به ندرت) قطر آن به نه متر می رسد و عمر آن تقریباً

به سه هزار و پانصد سال افزایش می یابد .

السَّجْرَةُ الْحَاقِقَةُ شَجَرَةٌ تَنُمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ ، تَبْدَأُ حَيَاتَهَا

بِالْإِتِّفَافِ حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا ، ثُمَّ تَخْتَفِئُ تَدْرِيجِيًّا . يُوجَدُ

نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ الَّتِي تَقَعُ فِي مُحَافَظَةِ هَرْمُزْجَانَ .

درخت خفه کننده درختی است که در برخی جنگل های استوایی می

روید {و} زندگی اش را با درهم پیچیدن دور تنه درخت و شاخه

هایش آغاز می کند ، سپس آن را کم کم خفه می کند . گونه ای

از آن در جزیره قشم که در استان هرمزگان واقع است ، یافت می شود .

دیرستان هاشمی نژاد ۱ - دوره دوم

شَجَرَةُ الْخَبْرِ شَجَرَةٌ إِسْتَوَائِيَّةٌ تَنُمُو فِي جُزْرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي ، تَحْمِلُ

أَثْمَارًا فِي نَهَائِيَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخَبْرِ . يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ هَذِهِ الْأَثْمَارِ .

درختِ نان درختی استوایی است که در جزیره های اقیانوس آرام

می رویند { و } میوه هایی مانند نان در انتهای شاخه هایش حمل می

کند . مردم مغز این میوه ها را می خورند .

شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَعْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيحٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ؛
درخت نفت ، درختی است که کشاورزان آن را مانند پرچینی دور

کشتزارها برای حمایت از محصولاتشان از جانوران به کار می گیرند .

لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِهَةٌ تَهْرَبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ، وَتَحْتَوِي بُدُورُهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الزُّيُوتِ لَا
يُسَبِّبُ اشْتِعَالَهَا خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّثَةٍ .

زیرا بوی این درخت ، ناپسند است و جانوران از آن می گریزند و

مرکز ملی پرورش استعداد های درخشان

دانه هایش حاوی مقداری (از) روغن ها است و آتش گرفتن آن ،

سبب خروج هیچ (نوعی از) گازهای آلوده کننده ای را نمی شود .

وَ يُمْكِنُ إِنتَاجِ التَّفَطِّ مِنْهَا . وَ يُوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكَشَهْر
بِمُحَافَظَةِ سَيْسْتَانِ وَ بَلُوْشِسْتَانِ بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدَادِ .

و تولید نفت از آن امکان دارد و گونه ای از آن در نیک شهر در

استان سیستان و بلوچستان به نام درختِ مداد یافت می شود .

شَجَرَةُ الْبَلُوْطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي

سَنَةً . تُوجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَةِ اِيْلَامِ وَ لُرْسْتَانِ .

درخت بلوط از درختان کهن سال است و گاهی عمر (آن) به

دو هزار سال می رسد . { شاید عمر (ش) به دو هزار سال برسد } .

جنگل های زیبای از آن در استان ایلام و لرستان یافت می شود .

يَدْفِنُ السَّنْجَابُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبَلُوْطِ التَّيْلِيَةِ تَحْتَ التُّرَابِ، وَ قَدْ

مرکز ملی پرورش استعداد های درخشان

دیرستان هاشمی نژاد ۱ - دوره دوم

يَنْسَى مَكَانَهَا .

سنجاب برخی دانه های سالم بلوط را زیر خاک دفن می کند و گاهی جای آن ها را فراموش می

کند . { شاید جایش را فراموش بکند } .

وَفِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَمُو تِلْكَ الْجَوْزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً .

و در سال آینده آن دانه بلوط رشد می کند و یک درخت می شود .

قال الإمام الصادق (ع) :

لِزَّرَعُوا وَ اغْرِسُوا ، ... وَ اللهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ .

امام صادق (ع) فرمودند :

کشاورزی کنید و نهال بکارید ، ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال

تر و خوب تر از آن انجام نداده اند .

المَعْرِفَةُ وَ التَّكْرِهُ

قواعد درس سوم عربی پایه یازدهم

علوم تجربی و ریاضی و انسانی

مرکز ملی پرورش استعداد های درخشان

اقسام کلمه : ۱- اسم ۲- فعل ۳- حرف ۴- افعال - دوره دوم

مبحث معرفه و نکره به اسم ها مربوط می شود، زیرا جزء یکی از

مواردی است که باید در تحلیل صرفی اسم گفته شود .

اسم : اسم عبارتست از کلمه ای که ذاتاً معنی داشته باشد و آن مقرون به یکی از زمان های سه گانه ماضی ، حال و آینده نباشد .

بعضی از نشانه های مختص اسم :

۱- **مجرور** شدن ، مثل :

سَلَّمْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْفَاضِلِ : به پدر دانشمند محمد سلام کرد .

۲ - ظاهر شدن « **تنوین** » در آخر آن :

كُلُّ إِنْسَانٍ قَائِمٌ عَدَاً : هر انسانی فردا ایستاده است .

۳- **منادا** واقع شدن ، مثل : **یا** تلمیذُ

۴- وارد شدن « **ال** » ؛ مثل : الرَّجُلُ : آن مرد

۵- **مصادر** فعل های گروه اول و دوم اسم هستند ؛ (عَلَّمَ ، تَكَاثَبَ ، تَعَلَّمَ ، نَصَرَ)

۶- اگر کلمه ای **تاء مدوّرة** « ة » داشته باشد ، مانند : عَدَالَةٌ

۷- همه ی **ضمیر** ها و اسم های **اشاره** و اسم **موصول** ، مانند : هُوَ ، هُوَلاء ، الَّذِينَ

۸- همه ی **کلمات پرسشی** غیر از « هَلْ ، أ » ؛ مانند : مَنْ ، مَا ، أَيْنَ ، كَيْفَ ، ...

۹- بیشتر کلماتی که آخر آن ها « **اء** » داشته باشد ؛ مانند : ماء ، داء ، دواء ، شتاء ، اهداء

۱۰- **ساکن بودن حرف وسطی** در کلمات سه حرفی ، مانند : عِلْم ، فَهْم ، ضَلْح

۱۱- موصوف و صفت یا مضاف و مضاف الیه واقع شدن ، مثل : **أَكْرَمُ قَدِيمٍ** ، **مَسْجِدُ الْإِمَامِ**

۱۲- حروف جرّ « في ، بِ ، إلی ، مِنْ ، لِ ، عَلَي ، عَنْ ، ك » فقط قبل از اسم ها می آیند ؛ **في البيت**

در زبان عربی اسم ها از نظر قابل شناسایی بودن یا نبودن به دو گروه تقسیم می شوند :
اسم های معرفه : اسم معرفه اسمی است که نزد گوینده یا شنونده ، یا خواننده شناخته شده و مشخص شده است ؛ مثال :

جاء **المَدْرَسِ** : معلم آمد . / **وَجَدْتُ الْقَلَمَ** : قلم را یافتم .

اسم های نکره : اسم نکره اسمی است که نزد گوینده یا شنونده یا خواننده ، ناشناس و ناشناخته است ؛ مثال :

جاء **مُدْرَسٍ** : معلمی آمد . / **وَجَدْتُ قَلَمًا** : قلمی را یافتم .

بیان انواع اسم های معرفه در کتاب های شما حذف شده است و فقط دو نوع اسم معرفه از شش اسم معرفه ذکر شده است ؛

معارف شش بود بُود ؛ مُضَمَّر ، اضافه ، عَلم ، ذواللام ، مَوْصُول و اشاره

برخی از اسم ها به خودی خود معرفه و شناخته شده اند (معرفه بنفسه) ؛ مانند : **عَلم** ، **ضمیر** ،
مَوْصُول و اشاره

برخی از اسم ها با واسطه معرفه می شوند (**معرفه بالواسطة**) ؛ مانند :
معرفه به « **ال** » ، معرفه به اضافه

ال + نکره = معرفه به « ال » : ال + کتاب = الكتاب
نکره + یکی از دیگر معارف = کتاب + الْمُعَلِّم : کتاب الْمُعَلِّم

معرفه به (ال) :

مهم ترین نشانه اسم داشتن « ال » است و حرف تعریف « ال » در ابتدای

یک اسم ، نشانه ی معرفه به « ال » بودن آن اسم است؛ بنابراین به اسم

های که ابتدای آن « ال » دارد (مُعَرَّف بآل یا ذواللآم) می گویند .

ال + تَلْمِيذٌ : التلميذ / ال + مُدْرِسًا : المُدرِّس / ال + أفراس : الأفراس

معرفه به عَلم (اسم خاص) :

هرگاه فردی از میان افراد یک جنس برگزیده شود و نام ویژه ای بر او گذاشته شود

، در زبان فارسی (نام ویژه : اسم خاص) و در زبان عربی (عَلم) می گویند ؛

دبیرستان هاشمی نژاد ۱ - دوره دوم

بنابراین اسامی افراد، شهرها، کشورها، مکان های خاص، رودها، کوه ها و ...

معرفه به اسم « عَلم » محسوب می شوند .

اگر بعد از اسم های « معرفه به ال » این کلمات (الّذي، الّتي، اللّذان، اللّتان، الّذين، الّاتي) بیایند ، اسم مورد نظر با « ی » ترجمه می شود ؛ مانند :

الرَّجُلُ الَّذِي جَاءَ مُعَلِّمٌ : مردی که آمد معلم است .

الْمَرْأَةُ الَّتِي جَاءَتْ مُعَلِّمَةً : زنی که آمد معلم است .

الرَّجُلَانِ اللَّذَانِ جَاءَا مُعَلِّمَانِ : دو مردی که آمدند معلم اند .

أَعْرِفُ الرَّجُلَيْنِ اللَّذَيْنِ جَاءَا : دو مردی را که آمدند می شناسم .

الْمَرْأَتَانِ اللَّتَانِ جَاءَتَا مُعَلِّمَاتِنِ : دو زنی که آمدند معلم اند .

أَعْرِفُ الْمَرْأَتَيْنِ اللَّتَيْنِ جَاءَتَا : دو زنی را که آمدند می شناسم .

الرِّجَالُ الَّذِينَ جَاءُوا مُعَلِّمُونَ : مردانی که آمدند معلم اند .

مرکز ملی پرورش استعداد های درخشان

النِّسَاءُ اللَّاتِي جِئْنَ مُعَلِّمَاتٌ : زنانی که آمدند معلم اند . - دوره دوم

در زبان فارسی اسم نکره به سه صورت زیر ترجمه می شود ؛ مانند :

جاءَ رَجُلٌ : مردی آمد / جاءَ رَجُلٌ : یک مرد آمد / جاءَ رَجُلٌ : یک مردی آمد.

نکته : گاهی در جمله اسمیه ، خبر در قالب یک اسم مفرد تنوین دارد؛

أما نیازی به نکره معنا کردن نیست ؛ (عَيْنِ الْإِسْمِ التَّكْرَةُ يُمكنُ أَنْ يترجم معرفة) مانند :

الْعِلْمُ كَنْزٌ : دانش گنج است / فَرَيْضُنَا فَائِزٌ : تیم ما برنده است

اگر بعد از خبر دارای تنوین ، صفت در قالب یک اسم یا صفت در قالب یک جمله

داشته باشیم ، خبرا باید به شکل نکره معنا کنیم ؛ مانند :

القناعةُ كَنْزٌ لَا يَنْفَدُ : قناعت گنجی است که تمام نمی شود .

الكتابُ صَدِيقٌ يَنْقِذُكَ مِنْ مَصِيبَةِ الْجَهْلِ : کتاب دوستی است که تو را از

گرفتاری نادانی نجات می دهد .

مرکز ملی پرورش استعداد های درخشان

دیرستان هاشمی نژاد ۱ - دوره دوم

نکته :

معدود اعداد اصلی « نکره » است و تنوین (ـِ) دارد ؛ اما نیازی به نکره معنا کردن نیست ؛

مانند :

سِتَّةَ أَيَّامٍ : شش روز / ثَلَاثِينَ لَيْلَةً : سی شب / مِئَةَ حَبَّةٍ : صد دانه

نکته :

« قید حالت » در زبان فارسی که همان « حال » در زبان عربی است ، (**نکره**) است ؛ اما نیازی به **نکره** معنا کردن نیست ؛ مانند :

رَأَيْتُ الْوَلَدَ ، مَسْرُورًا : پسر را ، خوشحال دیدم .

نکته :

معمولاً هرگاه در عبارتی ، اسمی به صورت « **نکره** » بیاید و همان اسم دوباره در ادامه همراه « **ال** » تکرار شود ، می توان **الف و لامش** را به صورت اسم اشاره « **این** » یا « **آن** » ترجمه کرد ؛ **عَیْنِ حَرْفِ « ال »** « معناه اسم الإشارة » مثال :

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا ؛ كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا :

اسب هاپی را دیدم ؛ آن (**این**) اسب ها کنار صاحبشان بودند .

إِشْتَرَيْتُ أَمْسَ كِتَابًا فِي عِلْمِ الْأَحْيَاءِ فَأَهْدِيْتُ الْكِتَابَ إِلَى صَدِيقِي :

دیروز کتابی درباره زیست شناسی خریدم و آن (**این**) کتاب را به دوستم هدیه کردم .

إِشْتَرَيْتُ قَلَمًا ثُمَّ بَعَثْتُ الْقَلَمَ : **قلمی** را خریدم سپس آن **قلم** را فروختم .

دیرستان هاشمی نژاد ۱ - دوره دوم

نکته :

اگر اسمی **تنوین** (**ـِ**) گرفت و آن اسم ، **عَلَم** (**خاص**) نبود ، قطعاً آن

اسم « نکره » است ؛ مثال : رَسولٌ ، مُباراةٌ ، تَسألُ

توضیح اینکه اسم های مانند : (عَبَّاسٌ ، كَاطِباً ، حُسَيْنٌ) علی رغم اینکه

از اسم های معرفه است ، می توانند تنوین (ِ) بگیرند ، ولی نکره

نیستند ؛ بلکه معرفه به عَلم هستند .

نکته :

اگر اسم عَلم « ال » گرفته باشد ، آن اسم همچنان (معرفه به عَلم) خواهد بود ؛ مانند :

الحسَنُ وَ الحُسَيْنُ سَيِّدا شبابِ أَهْلِ الجَنَّةِ . (الحسن ، الحسين : معرفه به عَلم)
المَهْدِيُّ (عَج) طاوُوسُ أَهْلِ الجَنَّةِ . (المهدي : معرفه به عَلم)

نکته :

از میان اسم ها و صفات خداوند فقط اسم « الله » (معرفه به عَلم) است

و اسم « الله » در کلمه (اللهم) نیز معرفه به عَلم (اسم خاص) می باشد .

نکته :

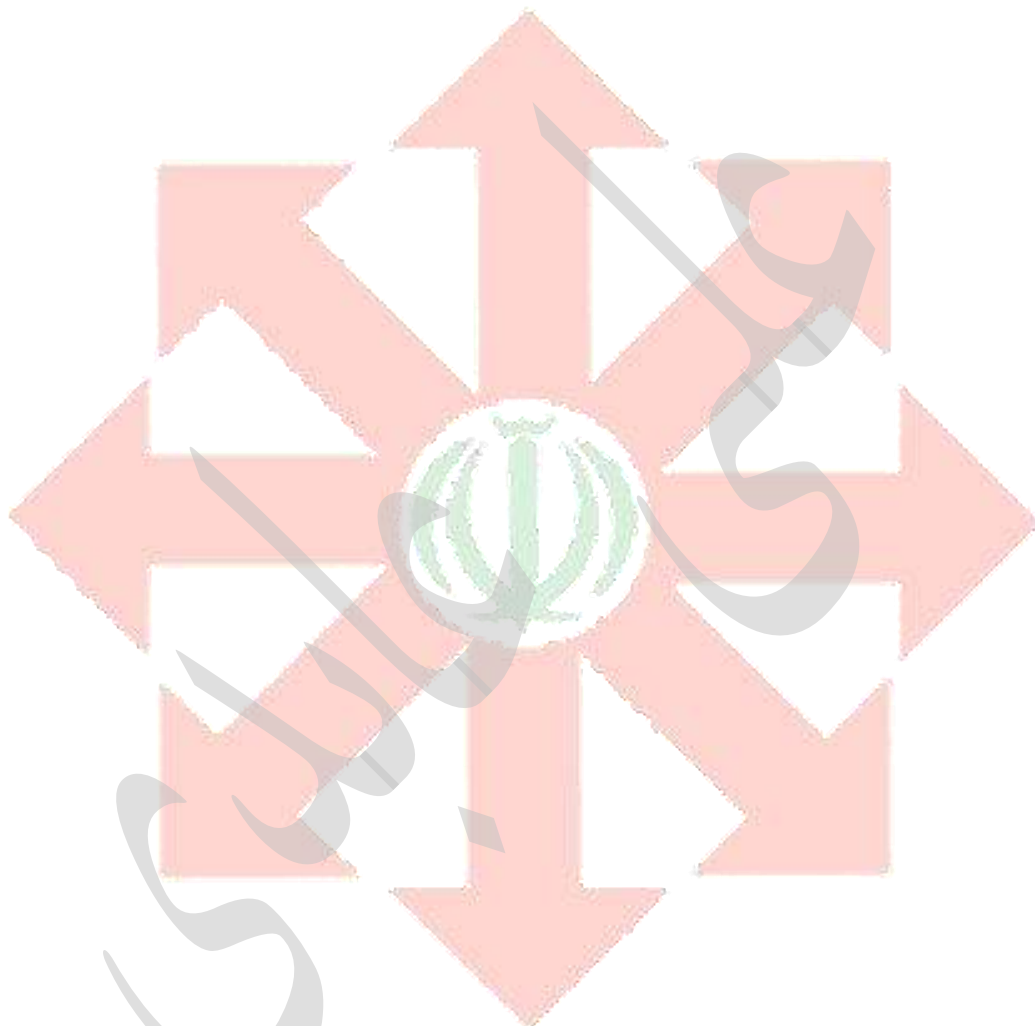
اسم های مثنی مانند (تَلْمِيزَانِ ، تَلْمِيزِيْنِ) و اسم های جمع مذکر سالم مانند (مَعْلَمُوْنَ ، مَعْلَمِيْنَ)
(و اسم های بر وزن و آهنگ (مَفَاعِلِ : مَسَاجِدِ) و (مَفَاعِلِ : مَصَابِيحِ) و (أَفْعَلِ : أَجْمَلِ) که

در آخرشان تنوین نمی آید ، اسم نکره هستند .

نکته :

یک اسم هرگز نمی تواند همزمان هم « **ال** » و هم **تنوین** (**ـِیْ**) داشته باشد ، چون هرگز **تنوین** و **ال** با همدیگر جمع نمی شود ؛ مانند :

الکتابُ : درست / **کتابُ** : درست / **الکتابُ** : نادرست



مرکز ملی پرورش استعداد های درخشان

دیرستان هاشمی نژاد ۱ - دوره دوم